اربعین احناف

الأربعون الحنفية

جامع

محمد وائل الحنبلي

ترجمه

محمد ابراهیم تیموری

چاپ اول

محرم الحرام ۱۴۴۸ هجری قمری

مطابق سرطان ۱۴۰۵ هجری شمسی موافق جولای ۲۰۲۶ میلادی

متن آمادهٔ چاپ کتاب را می‌توانید از نشانی‌های ذیل به دست آورید:

جدیدترین PDF کتاب را می‌توانید با نشان انترنتی (email) ذیل تماس بگیرید:

miteymori@gmail.com

یا از نشانی زیر از برنامهٔ تلگرام اخذ کنید:

https://t.me/RaaheFalaah

و یا با شمارهٔ ذیل در تلفون یا واتس‌اپ و یا تلگرام در تماس شوید:

۰۰۴۴۷۷۷۶۰۰۳۱۳۷

و یا با شمارهٔ تلفونی ذیل در کابل تماس بگیرید:

امیر محمد: ۰۷۰۰۲۴۳۵۰۱

فهرست مطالب

مقدمه ۶
اربعین احناف ۹
حدیث اول: طریقهٔ تکبیر اولی ۱۰
حدیث دوم: کیفیت نهادن دست‌ها در حالت قیام ۱۱
حدیث سوم: نهادن دست‌ها زیر ناف ۱۲
حدیث چهارم: ثنای آغاز نماز ۱۳
حدیث پنجم: آهسته گفتن بسم‌الله ۱۴
حدیث ششم ۱۵
حدیث هفتم: قرائت پشت سر امام جایز نیست ۱۶
حدیث هشتم ۱۷
حدیث نهم ۱۸
حدیث دهم ۱۹
حدیث یازدهم: آهسته گفتن بسم‌الله و آمین ۲۰
حدیث دوازدهم: بالا بردن دست‌ها تنها در آغاز نماز ۲۱
حدیث سیزدهم ۲۲
حدیث چهاردهم ۲۳

حدیث پانزدهم: هنگام رفتن به سجده نهادن زانوها بر زمین پیش از دست‌ها ۲۴
حدیث شانزدهم ۲۵
حدیث هفدهم: نهادن روی/صورت میان دست‌ها در سجده ۲۶
حدیث هجدهم ۲۷
حدیث نوزدهم: باز کردن انگشتان در رکوع و جمع کردن آن‌ها در سجده ۲۸
حدیث بیستم: حالت پاها در نشستن ۲۹
حدیث بیست‌ویکم: ترک تورُّك ۳۰
حدیث بیست‌ودوم: برخاستن از سجده ۳۱
حدیث بیست‌وسوم: الفاظ تشهّد ۳۲
حدیث بیست‌وچهارم: اشاره با انگشت سبّابه ۳۳
حدیث بیست‌وپنجم: برخاستن برای رکعت سوم به محض ختم تشهد ۳۴
حدیث بیست‌وششم ۳۵
حدیث بیست‌وهفتم ۳۶
حدیث بیست‌وهشتم ۳۷
حدیث بیست‌ونهم: قعدهٔ آخر ۳۸
حدیث سی‌ام: طریقهٔ سلام ۳۹
حدیث سی‌ویکم ۴۰

حدیث سی‌ودوم: تأکید بر محافظت بر سنت فجر ۴۱
حدیث سی‌وسوم ۴۲
حدیث سی‌وچهارم ۴۳
حدیث سی‌وپنجم ۴۴
حدیث سی‌وششم: دو سجدهٔ سهو ۴۵
حدیث سی‌وهفتم: در صورت شك در عدد رکعات نماز بر گمان غالب عمل باید کرد ۴۶
حدیث سی‌وهشتم: شیوهٔ نماز وتر ۴۷
حدیث سی‌ونهم ۴۸
حدیث چهلم: شتاب در ادای سنت پس از فریضه ۴۹
دربارهٔ مترجم کتاب ۵۱
تراجم و تالیفات مترجم ۵۲

﴿مُقدّمَه﴾

بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

الحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ العَالَمِينَ، وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ، وَعَلَى آلِهِ وَصَحْبِهِ أَجْمَعِينَ.

اما بعد:

حضرت پیغامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وسلم به ما خبر داده است که: «أَنَّ رِيحَ الجَنَّةِ تُوجَدُ مِنْ مَسِيرَةِ أَرْبَعِينَ عَامًا؛ بوی بهشت از فاصلهٔ چهل ساله راه به مشام می‌رسد.»[1]

پس تمنا در دلم افتاد که چهل حدیث شریف را گردآوری کنم، باشد که به فضل خداوند کریم و مَنّان هر یك از این احادیث برای من سالی از راه رسیدن به بهشت را آسان سازد، و نیز مرا در زمرهٔ

---

(۱) در صحیح بخاری: حدیث شماره ۳۱۶۶ و نیز حدیث شماره ۶۹۱۴ با این لفظ آمده است: «وَإِنَّ رِيحَهَا يُوجَدُ مِنْ مَسِيرَةِ أَرْبَعِينَ عَامًا». یعنی: «و بوی آن از فاصله چهل ساله راه به مشام می‌رسد».

کسانی قرار دهد که در این راه با امامان و عالِمان بزرگ پیشین که در این عرصه تالیف کرده‌اند تشبُّه اختیار نموده باشد.

اینک این «اربعین» پیش روی شما قرار دارد؛ مجموعه‌ای از احادیث و آثار مسنون و گران‌بها که در آن برخی از افعال نماز بر اساس مذهب فقهای بزرگوار حنفی بیان گردیده است.

در این رساله از بررسی سند احادیث جهت اختصار صرف‌نظر شده است و به نقل از منابع مشهور حدیث یا به نقل حکم یکی از حُفَّاظ حدیث بسنده گردیده است.

همچنین از نقل روایات موجود در آثار امام ربّانی حضرت امام محمد بن حسن شَیْبانی رحمه‌الله، مانند الموطأ، الآثار، الحجةُ علی أَهل المدینة و دیگر آثار ایشان ـ که انباشته از ادلهٔ نقلی و حجت‌ها و برهان‌های اجتهادی‌اند ـ خودداری شده است؛ تا این گمان پیش نیاید که کتاب‌های مشهور حدیث از روایاتی که مُؤَیِّد مذهب فقهاء باشد خالی‌اند. و این رساله را «الأربعون الحنفیة» نام نهادم.

سند هر یك از احادیث این مجموعه را به لطف خداوند متعال یا از طریق سماع مستقیم و یا از طریق اجازه اخذ نموده‌ام.

از خداوند تبارک و تعالی مسئلت دارم که این عمل را خالص جهت رضای خود قرار دهد و آن را برای عموم مسلمانان نافع گرداند. و خداوند، توفیق‌بخشِ وصول به مقصود است و تنها او

ما را بسنده است و خود او بهترین تکیه‌گاه و کارگزار است، و هیچ نیرو و توانی جز او نیست.

این سطور را بندهٔ محتاج به رحمت پروردگار، محمد وائل بن محمد اسامه بن مجاهد یوسف بن محمد علی بن عمدة العلماء محمد بن فخر قضاة الإسلام مصطفی بن قاضی سلمان بن سلیمان بن مجاهد محمد مُزْهِر حنبلی اثری دمشقی نگاشته است. خداوند او و همه پدران و مشایخ او را مغفرت فرماید.

این نوشتار در نزدیکی‌های صبح جمعه، ششم ربیع الثانی سال ۱۴۳۲ هجری قمری در خانه‌ام در محله عُقَيْبَةَ دمشق ـ که خداوند آن را از هر بلا و آفت محفوظ بدارد ـ به پایان رسید.

محمد وائل الحنبلي

اربعین احناف

الأربعون الحنفية

جامع

محمد وائل الحنبلي

ترجمه

محمد ابراهیم تیموری

حدیث اول

طریقهٔ تکبیر اولی

عَنْ مَالِكِ بْنِ الْحُوَيْرِثِ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ: أَنَّ رَسُولَ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَانَ إِذَا كَبَّرَ رَفَعَ يَدَيْهِ حَتَّى يُحَاذِيَ بِهِمَا أُذُنَيْهِ.

رَوَاهُ مُسْلِمٌ، وَالنَّسَائِيُّ.

ترجمه: از حضرت مالك بن حُوَيْرِث رضی الله عنه روایت است که حضرت رسول الله صلی الله علیه وسلم هرگاه تکبیر می گفتند، دستان مبارک خویش را تا برابر گوش های مبارک خویش بالا می بردند.

این حدیث را امام مُسْلِمؒ و نسائیؒ روایت کرده اند.[1]

(۱) صَحِيحُ مُسْلِمٍ: ۲۵ - ۳۹۱ | سُنَنُ النَّسَائِيِّ: ۱۰۵۶

حدیث دوم

کیفیت نهادن دست‌ها در حالت قیام

عَنْ وَائِلِ بْنِ حُجْرٍ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ قَالَ: قُلْتُ: لَأَنْظُرَنَّ إِلَى صَلَاةِ رَسُولِ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَيْفَ يُصَلِّي؟ فَقَامَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَاسْتَقْبَلَ الْقِبْلَةَ فَكَبَّرَ، فَرَفَعَ يَدَيْهِ حَتَّى حَاذَتَا بِأُذُنَيْهِ، ثُمَّ وَضَعَ يَدَهُ الْيُمْنَى عَلَى كَفِّهِ الْيُسْرَى وَالرُّسْغِ وَالسَّاعِدِ.

رَوَاهُ أَحْمَدُ، وَأَبُو دَاوُدَ، وَالنَّسَائِيُّ.

ترجمه: حضرت وائل بن حُجْر رضی‌الله‌عنه روایت می‌کند که با خود گفتم: حتماً نماز حضرت رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم را می‌نگرم تا ببینم که آنحضرت صلی‌الله‌علیه‌وسلم چگونه نماز می‌خوانند (...) پس رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وسلم برخاستند، رو به قبله کردند و تکبیر گفتند؛ سپس دستان خویش را بالا بردند تا با گوش‌های مبارک ایشان برابر شد. آن‌گاه دست راست خویش را بر بالای دست چپ و مچ/بند دست و ساعدش قرار دادند.[1]

این حدیث را امام احمدؒ، ابوداودؒ و نسائیؒ روایت کرده‌اند.[2]

(۱) مُسْنَدُ أَحْمَدَ: ۱۸۸۷۶، سُنَنُ أَبِي دَاوُدَ: ۴۸۳/۱، سُنَنُ النَّسَائِيِّ: ۸۷۹،

(۲) علامه ابن حَجَر رحمه‌الله می‌نویسد: ابن خُزَيْمَه و دیگر مُحدِّثین این حدیث را صحیح دانسته‌اند. صَحِيحَ ابْنِ خُزَيْمَةَ: ۲۴۳/۱

حدیث سوم

نهادن دست‌ها زیر ناف

عَنْ وَائِلِ بْنِ حُجْرٍ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ قَالَ: رَأَيْتُ النَّبِيَّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَضَعَ يَمِينَهُ عَلَى شِمَالِهِ فِي الصَّلَاةِ تَحْتَ السُّرَّةِ.

رَوَاهُ ابْنُ أَبِي شَيْبَةَ.

از حضرت وائل بن حُجْر رضی‌الله‌عنه روایت است که پیغامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وسلم را دیدم که در دوران نماز دست راست مبارك خویش را بر روی دست چپ مبارك خویش در زیر ناف قرار می‌دادند.

این حدیث را امام ابن أَبی‌شَیْبَهؒ روایت کرده است.[1]

---

(۱) حافظ ابْنُ قُطْلُوبُغَا رحمه‌الله می‌نویسد: این سندی جیِّد است. مُصَنَّف ابن ابی‌شَیْبَه: ۳۲۰/۳؛ التعریف والإخبار بتخریج أحادیث الاختیار: ق ۲۶/ب؛ و بنگرید رسالهٔ دِرْهَمِ الصُّرَّةِ فِي وَضْعِ الْيَدَيْنِ تَحْتَ السُّرَّةِ از علامه محدث فقیه، محمد هاشم سندی، وفات ۱۱۷۴هـ.ق

امام ترمذی رحمه‌الله می‌نویسد: اهل علم از اصحاب پیغامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله و تابعین و کسانی که پس از آنان‌اند بر این حدیث عامل بوده اند، و نظر آنان این است که مرد در دوران نماز، دست راستش را بر دست چپش بگذارد. و برخی از آنان بر این رأی‌اند که دست‌ها را بالای ناف قرار دهد، و برخی از آنان بر این رأی‌اند که زیر ناف بگذارد؛ و همهٔ این‌ها نزد آنان گنجایش دارد. جامع الترمذی: ۳۳۸/۱

حدیث چهارم

ثنای آغاز نماز

عَنْ عَائِشَةَ رَضِيَ اللهُ عَنْهَا قَالَتْ: كَانَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِذَا اسْتَفْتَحَ الصَّلَاةَ قَالَ: سُبْحَانَكَ اللّٰهُمَّ وَبِحَمْدِكَ، وَتَبَارَكَ اسْمُكَ، وَتَعَالَى جَدُّكَ، وَلَا إِلَهَ غَيْرُكَ. رَوَاهُ أَبُو دَاوُد.

ترجمه: از بی‌بی عایشه رضی الله عنها روایت است که هرگاه حضرت رسول الله صلی الله علیه وسلم نماز را آغاز می کردند می فرمودند: سُبْحَانَكَ اللّٰهُمَّ وَبِحَمْدِكَ، وَتَبَارَكَ اسْمُكَ، وَتَعَالَى جَدُّكَ، وَلَا إِلَهَ غَيْرُكَ.

این حدیث را امام ابوداودؒ روایت کرده است.[1]

---

(۱) سنن ابوداود: ۵۰۴/۱؛ امام عراقیؒ می گوید: راویان آن ثقه‌اند. شاگرد ایشان علامه ابن حَجَر رحمه الله می‌نویسد: کمترین درجهٔ آن، حَسَن بودن است. (نتائج الأفكار في تخريج أحاديث الأذكار: ۳۹۸/۱)

امام طَبَرانیؒ نیز در «مُعْجَم اوسط» روایتی همانند آن را از حضرت اَنَس نقل کرده است. و حافظ هَیْثَمیؒ می گوید: راویان آن مُوَثَّق اند. (معجم طبرانی أوسط: ۳۰۳۹؛ مجمع الزوائد: ۱۰۷/۲)

امام ترمذیؒ می‌نویسد: بیشتر اهل علم بر اساس آنچه از پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم روایت شده، بر این رأی‌اند که آنحضرت صلی الله علیه وسلم «سُبْحَانَكَ اللّٰهُمَّ وَبِحَمْدِكَ، وَتَبَارَكَ اسْمُكَ، وَتَعَالَى جَدُّكَ، وَلَا إِلَهَ غَيْرُكَ» را می‌خواندند.

سپس امام ترمذیؒ در ادامه می‌نویسد: همچنین همین از حضرت عمر بن خطاب رضی الله عنه و حضرت عبدالله بن مسعود رضی الله عنه نیز روایت شده است، و بیشتر اهل علم از تابعین و دیگران بر همین عامل‌اند. (جامع ترمذی: ۳۲۵/۱)

حدیث پنجم

آهسته گفتن بسم‌الله

عَنْ أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ: أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَأَبَا بَكْرٍ وَعُمَرَ رَضِيَ اللهُ عَنْهُمَا كَانُوا يَفْتَتِحُونَ الصَّلَاةَ بِـ الْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ.

رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ، وَمُسْلِمٌ.

ترجمه: از حضرت انس بن مالک رضی‌الله‌عنه روایت است که حضرت نبی اکرم صلی‌الله‌علیه‌وسلم، حضرت ابوبکر و حضرت عمر رضی‌الله‌عنهما، نماز را با «الْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِين» آغاز می‌کردند.

این حدیث را امام بخاریؒ و مُسلِمؒ روایت کرده‌اند.[1]

---

(۱) صَحِيحُ الْبُخَارِيِّ: (۱۴۹/۱)، صَحِيحُ مُسْلِمٍ: (۱۱۱/٤)

امام مُسْلِمؒ در روایت خود افزوده است: «آنان در آغاز قرائت و در ختم آن، بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ را بر زبان نمی‌آوردند.

حدیث ششم

وَعَنِ ابْنِ عَبْدِ اللهِ بْنِ مُغَفَّلٍ قَالَ: كَانَ عَبْدُ اللهِ بْنُ مُغَفَّلٍ إِذَا سَمِعَ أَحَدَنَا يَقْرَأُ بِسْمِ اللهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، يَقُولُ: صَلَّيْتُ خَلْفَ رَسُولِ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، وَخَلْفَ أَبِي بَكْرٍ، وَخَلْفَ عُمَرَ رَضِيَ اللهُ عَنْهُمَا، فَمَا سَمِعْتُ أَحَدًا مِنْهُمْ قَرَأَ: بِسْمِ اللهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ.

رَوَاهُ النَّسَائِيُّ، وَالتِّرْمِذِيُّ.

ترجمه: از ابن عبدالله بن مُغَفَّلؒ روایت است که هرگاه حضرت عبدالله بن مُغَفَّل ﷺ می‌شنید یکی از ما بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ را می‌خوانَد، می‌فرمود: من در پشت سر حضرت رسول الله صلی الله علیه‌وسلم، حضرت ابوبکر و حضرت عمر رضی‌الله‌عنهما نماز خواندم؛ و از هیچ‌یک از آنان نشنیدم که بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ را بخواند.

این حدیث را امام نسائیؒ و ترمذیؒ روایت کرده‌اند.[1]

(۱) سُنَنُ النَّسَائِيِّ: (۸۹۸)، جَامِعُ التِّرْمِذِيِّ (۳۲۷/۱).

امام ترمذیؒ در ادامهٔ روایت می‌نویسد: حدیث عبدالله بن مُغَفَّل حدیث حَسَن است، و بیشتر اهل علم از اصحاب پیامبر ﷺ مانند حضرت ابوبکر، عمر، عثمان، علی ﷺ و دیگران، و نیز تابعینِ پس از آنان بر آن عامل می‌باشند. و امام سفیان ثوریؒ، عبد الله ابن مبارکؒ، احمدؒ و اسحاقؒ نیز همین نظر را دارند که بسم الله الرحمن الرحیم جهراً گفته نشود و می‌گویند نمازخوان آن را خُفیه بگوید.

حدیث هفتم

قرائت پشت سر امام جایز نیست

عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللهِ رَضِيَ اللهُ عَنْهُمَا عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: مَنْ كَانَ لَهُ إِمَامٌ فَقِرَاءَتُهُ لَهُ قِرَاءَةٌ.

رَوَاهُ أَحْمَدُ.

ترجمه: از حضرت جابر بن عبدالله رضی‌الله‌عنهما روایت است که حضرت رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم فرمودند: هر کس امامی دارد، قرائت امامش قرائت او نیز است.

این حدیث را امام احمدؒ روایت کرده است.[1]

---

(۱) مسند احمد: ۱۴۶۴۳؛

علامه شمس‌الدین ابن ابی‌عمر مقدسی حنبلیؒ می‌گوید: این سندی صحیح و متصل است و همهٔ راویانش ثقه‌اند. (الشرح الکبیر از ابن قدامه: ۳۰۵/۴)

و امام عبد بن حُمَیدؒ نیز آن را روایت کرده است.(منتخب عبد بن حمید: ۱۰۵۲)

و امام محدث بوصیریؒ می‌نویسد: این حدیث بر شرط مُسلِم است. (إتحاف الخیرة المهرة بزوائد المسانید العشرة از بوصیری: ۳۴۳/۲)

امام احمد بن مَنیعؒ نیز آن را در «مُسنَد» خود روایت کرده است؛ چنان‌که علامه بوصیری آن را آورده و می‌نویسد: این حدیث صحیح بر شرط امام بخاریؒ و مُسلِمؒ است. (إتحاف الخیرة المهرة: ۳۴۳/۲)

حدیث هشتم

ایضاً

وَعَنْ نَافِعٍ: أَنَّ عَبْدَ اللهِ بْنَ عُمَرَ كَانَ إِذَا سُئِلَ: هَلْ يَقْرَأُ أَحَدٌ خَلْفَ الْإِمَامِ؟ قَالَ: إِذَا صَلَّى أَحَدُكُمْ خَلْفَ الْإِمَامِ فَحَسْبُهُ قِرَاءَةُ الْإِمَامِ، وَإِذَا صَلَّى وَحْدَهُ فَلْيَقْرَأْ.

قَالَ: وَكَانَ عَبْدُ اللهِ بْنُ عُمَرَ لَا يَقْرَأُ خَلْفَ الْإِمَامِ.

رَوَاهُ مَالِكٌ.

ترجمه: از حضرت نافعؒ روایت است که هرگاه شخصی از حضرت عبدالله بن عمر رضی‌الله‌عنهما می‌پرسید: آیا کسی پشت سر امام قرائت کند؟ ایشان در جواب می‌فرمود: هرگاه یکی از شما پشت سر امام نماز بخواند، قرائت امام او را بس است؛ و اگر تنها نماز بخواند، باید قرائت کند.

نافع می‌گوید: حضرت عبدالله بن عمر رضی‌الله‌عنهما پشت سر امام قرائت نمی‌کرد.

این حدیث را امام مالکؒ روایت کرده است.[1]

---

(۱) مُوَطَّأُ مَالِكٍ: (۹۳/۱)

ایضاً

وَعَنْ عَطَاءِ بْنِ يَسَارٍ: أَنَّهُ سَأَلَ زَيْدَ بْنَ ثَابِتٍ عَنِ الْقِرَاءَةِ مَعَ الْإِمَامِ فَقَالَ: لَا قِرَاءَةَ مَعَ الْإِمَامِ فِي شَيْءٍ.

رَوَاهُ مُسْلِمٌ، وَالنَّسَائِيُّ.

ترجمه: از حضرت عطاء بن یسارؒ روایت است که از حضرت زید بن ثابت رضی الله عنه دربارهٔ قرائت همراه امام پرسید. حضرت زید رضی الله عنه فرمود: در هیچ نماز، هیچ قرائتی همراه امام وجود ندارد.

این حدیث را امام مُسلِمؒ و نسائیؒ روایت کرده‌اند.[1]

(۱) صَحِيحُ مُسْلِمٍ: (۷۵/۵)، سُنَنُ النَّسَائِيِّ: (۹۵۱).

حدیث دهم

ایضاً

وَعَنْ عُبَيْدِ اللهِ بْنِ مِقْسَمٍ: أَنَّهُ سَأَلَ عَبْدَ اللهِ بْنَ عُمَرَ وَزَيْدَ بْنَ ثَابِتٍ وَجَابِرَ بْنَ عَبْدِ اللهِ فَقَالُوا: لَا تَقْرَأْ[1] خَلْفَ الْإِمَامِ فِي شَيْءٍ مِنَ الصَّلَوَاتِ.

رَوَاهُ الطَّحَاوِيُّ.

ترجمه: از حضرت عُبیدالله بن مِقْسَمؒ روایت است که او از حضرت عبدالله بن عمر، حضرت زید بن ثابت و حضرت جابر بن عبدالله رضی‌الله‌عنهم دربارهٔ قرائت پشت سر امام سوال کرد؛ و همهٔ آنان در جواب گفتند: در هیچ‌یک از نمازها پشت سر امام قرائت نکن.

این حدیث را امام طحاویؒ روایت کرده است.[2]

---

(۱) در نسخه‌های چاپی «لا تقرؤوا» آمده است: اما عبارت بالا از روی نسخهٔ خطی و مسموع در کتابخانهٔ شیخ‌الاسلام فیض‌الله افندی در استانبول و دیگر نسخه‌های خطی ثبت شده است.

(۲) شَرْحُ مَعَانِي الآثَارِ: (۲۱۹/۱). حافظ عَیْنیؒ می‌نویسد: سند این حدیث بر شرط مُسلِم صحیح است. (نُخَبُ الْأَفْكَارِ: (۱۲۳/٤)

حدیث یازدهم

آهسته گفتن بسم‌الله و آمین

عَنْ سَمُرَةَ بْنِ جُنْدُبٍ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ: أَنَّ رَسُولَ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَانَ يَسْكُتُ سَكْتَتَيْنِ، إِذَا دَخَلَ فِي الصَّلَاةِ وَإِذَا فَرَغَ مِنَ الْقِرَاءَةِ، فَأَنْكَرَ ذَلِكَ عِمْرَانُ بْنُ حُصَيْنٍ، وَكَتَبُوا إِلَى أُبَيِّ بْنِ كَعْبٍ فَكَتَبَ إِلَيْهِمْ أَنْ: صَدَقَ سَمُرَةُ.

رَوَاهُ أَحْمَدُ، وَأَبُو دَاوُدَ.

ترجمه: از حضرت سَمُره بن جُنْدُب رضی‌الله‌عنه روایت است که حضرت رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم دو جا اندک سکوت می‌کردند: یکی هنگامی که وارد نماز می‌شدند (برای آهسته بسم الله گفتن) و دیگری پس از ختم قرائت (برای آهسته آمین گفتن). حضرت عِمران بن حُصَین رضی‌الله‌عنه از این انکار کرد. پس به حضرت اُبیّ بن کعب رضی‌الله‌عنه نامه نوشتند و او در پاسخ نوشت: سَمُرهؓ راست گفته است.

این حدیث را امام احمدؒ و ابوداودؒ روایت کرده‌اند.[1]

---

(۱) مُسْنَدُ أَحْمَدَ: (۲۰۲۴۳)، سُنَنُ أَبِي دَاوُدَ: (۵۰۵/۱). حافظ ابن حَجَرؒ می‌نویسد: این حدیث حَسَن است. (نَتَائِجُ الْأَفْكَارِ فِي تَخْرِيجِ أَحَادِيثِ الْأَذْكَارِ: (۲۴/۲)

حدیث دوازدهم

بالا بردن دست‌ها تنها در آغاز نماز

عَنْ عَلْقَمَةَ قَالَ: قَالَ عَبْدُ اللهِ بْنُ مَسْعُودٍ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ: أَلَا أُصَلِّي بِكُمْ صَلَاةَ رَسُولِ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ؟ فَصَلَّى فَلَمْ يَرْفَعْ يَدَيْهِ إِلَّا فِي أَوَّلِ مَرَّةٍ.

رَوَاهُ أَبُو دَاوُدَ، وَالتِّرْمِذِيُّ.

ترجمه: از حضرت عَلْقَمَهؒ روایت است که حضرت عبدالله بن مسعود رضی‌الله‌عنه فرمودند: آیا نماز حضرت رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وسلم را برایتان نخوانم؟ سپس ایشان نماز گزارد و جز در بار اول، دست‌هایش را در هیچ جا بالا نبرد.

این حدیث را امام ابوداودؒ و ترمذیؒ روایت کرده‌اند.[1]

---

(۱) سُنَنُ أَبِي دَاوُدَ: (۴۹۳/۱)، جَامِعُ التِّرْمِذِيِّ: (۳۴۷/۱).

امام ترمذیؒ در ادامه می‌گوید: حدیث ابن مسعودؓ حدیث حَسَن است، و گروهی از اهل علم از اصحاب پیامبر ﷺ و تابعین برآن قائل اند. و این رأی امام سفیان ثوریؒ و اهل کوفه نیز است.

حدیث سیزدهم

ایضاً

وَعَنْ عَاصِمِ بْنِ كُلَيْبٍ عَنْ أَبِيهِ: أَنَّ عَلِيًّا رَضِيَ اللهُ عَنْهُ كَانَ يَرْفَعُ يَدَيْهِ فِي أَوَّلِ تَكْبِيرَةٍ مِنَ الصَّلَاةِ، ثُمَّ لَا يَعُودُ.

رَوَاهُ ابْنُ أَبِي شَيْبَةَ، وَالطَّحَاوِيُّ.

ترجمه: حضرت عاصم بن کُلَیْب از پدرش روایت می‌کند که حضرت علی رضی‌الله‌عنه در اولین تکبیر نماز دست‌هایشان را بالا می‌بردند و دیگر آن را تکرار نمی‌کردند.

این را امام ابن ابی‌شَیْبَهؒ و طحاویؒ روایت کرده‌اند.[1]

(۱) مُصَنَّفُ ابْنِ أَبِي شَيْبَةَ: (٤١٦/٢)، شَرْحُ مَعَانِي الآثَارِ: (٢٢٥/١)، علامه ابن حَجَرؒ می‌نویسد: راویان آن ثقه‌اند. (الدِّرَايَةُ فِي تَخْرِيجِ أَحَادِيثِ الْهِدَايَةِ: (١٥٢/١)

حدیث چهاردهم

ایضاً

وَعَنِ الْأَسْوَدِ قَالَ: صَلَّيْتُ مَعَ عُمَرَ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ فَلَمْ يَرْفَعْ يَدَيْهِ فِي شَيْءٍ مِنْ صَلَاتِهِ إِلَّا حِينَ افْتَتَحَ الصَّلَاةَ.

رَوَاهُ ابْنُ أَبِي شَيْبَةَ، وَالطَّحَاوِيُّ.

ترجمه: از امام اسودؒ روایت است که فرمود: من همراه حضرت عمر رضی‌الله‌عنه نماز خواندم؛ و ایشان بجز آغاز نماز در هیچ جای نماز دست‌هایش را بالا نبرد.

این حدیث را امام ابن ابی‌شیبهؒ و امام طحاویؒ روایت کرده‌اند.[1]

---

(۱) مُصَنَّفُ ابْنِ أَبِي شَيْبَةَ: (٤١٨/٢)، شَرْحُ مَعَانِي الآثَارِ: (٢٢٧/١) دُونَ قَوْلِهِ: (وَأَبَا إِسْحَاقَ)؛ و امام طحاویؒ سپس می‌گوید: این حدیث صحیح است. علامه ابن حجرؒ نیز گفته است: «راویان آن ثقه‌اند. (الدِّرَايَةُ فِي تَخْرِيجِ أَحَادِيثِ الْهِدَايَةِ: (١٥٢/١)

عبدالملکؒ که راوی سند است می‌گوید: امام شَعبیؒ، امام ابراهیمؒ نَخَعی و امام ابواسحاقؒ سَبیعی را دیدم که دست‌های خود را بجز در آغاز نماز در هیچ جای دیگر نماز بالا نمی‌بردند.

عبدالملکؒ همان ابن سعید بن حیان بن اَبجَر است؛ چنان‌که در تقریب التهذیب آمده است. (تَقْرِيبُ التَّهْذِيبِ: (ص ٣٩٤)

ابواسحاقؒ، عمرو بن عبدالله سبیعی، حافظی از بزرگان تابعین است.

حدیث پانزدهم

هنگام رفتن به سجده، نهادن زانوها بر زمین پیش از دست‌ها

عَنْ وَائِلِ بْنِ حُجْرٍ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ قَالَ: رَأَيْتُ رَسُولَ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ؟إِذَا سَجَدَ يَضَعُ رُكْبَتَيْهِ قَبْلَ يَدَيْهِ، وَإِذَا نَهَضَ رَفَعَ يَدَيْهِ قَبْلَ رُكْبَتَيْهِ.

رَوَاهُ أَبُو دَاوُدَ، وَالنَّسَائِيُّ، وَالتِّرْمِذِيُّ.

ترجمه: از حضرت وائل بن حُجْر رضی‌الله‌عنه روایت است که فرمود: من حضرت رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وسلم را دیدم که هرگاه به سجده می‌رفتند، زانوهای مبارک شان را پیش از دست‌های مبارک شان بر زمین می‌نهادند؛ و هرگاه برمی‌خاستند، دست‌های مبارک شان را پیش از زانوهای مبارک شان از زمین بالا می‌کردند.

این حدیث را امام ابوداودؒ، نسائیؒ و ترمذیؒ روایت کرده‌اند.[1]

---

(۱) سُنَنُ أَبِي دَاوُدَ: (۵۲۹/۱)، سُنَنُ النَّسَائِيِّ: (۱۰۷۷)، جَامِعُ التِّرْمِذِيِّ: (۳۶۲/۱). و امام ترمذیؒ می‌گوید: بیشتر اهل علم بر این عامل‌اند.

حدیث شانزدهم

ایضاً

وَعَنْ أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ قَالَ: رَأَيْتُ رَسُولَ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَبَّرَ فَحَاذَى بِإِبْهَامَيْهِ أُذُنَيْهِ، ثُمَّ رَكَعَ حَتَّى اسْتَقَرَّ كُلُّ مَفْصِلٍ مِنْهُ، وَانْحَطَّ بِالتَّكْبِيرِ حَتَّى سَبَقَتْ رُكْبَتَاهُ يَدَيْهِ.

رَوَاهُ الْحَاكِمُ.

ترجمه: از حضرت انس بن مالک رضی‌الله‌عنه روایت است که فرمود: من حضرت رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وسلم را دیدم که چون تکبیر گفتند دو شست مبارک خویش را در برابر دو گوش مبارک خویش قرار دادند؛ سپس رکوع نمودند تا همهٔ مفاصل بدن ایشان آرام گرفت، و آنگاه تکبیرگویان پایین رفتند حتی که زانوهای مبارك ایشان پیش از دستان شان به زمین رسید.

این حدیث را حاکمؒ روایت کرده است.[1]

---

(۱) الْمُسْتَدْرَكُ عَلَى الصَّحِيحَيْنِ: (۳٤۹/۱)

و سپس حاکمؒ نوشته است: این سند بر شرط امام بخاری و مُسلِم صحیح است؛ و برای آن علتی نمی‌شناسم و آن دو آن را روایت نکرده‌اند. علامه ذَهَبِیؒ نیز گفتهٔ حاکم را تأیید کرده است.

نهادن روی/صورت میان دست‌ها در سجده

عَنْ وَائِلِ بْنِ حُجْرٍ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ: أَنَّهُ رَأَى رَسُولَ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ رَفَعَ يَدَيْهِ حِينَ دَخَلَ فِي الصَّلَاةِ، وَفِيهِ: فَلَمَّا سَجَدَ سَجَدَ بَيْنَ كَفَّيْهِ.

رَوَاهُ أَحْمَدُ، وَمُسْلِمٌ.

ترجمه: از حضرت وائل بن حُجْر رضی‌الله‌عنه روایت است که ایشان حضرت رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وسلم را دید که هنگام ورود به نماز دست‌های مبارک شان را بالا بردند.

و در این روایت آمده است: و چون آنحضرت ﷺ سجده کردند، در بین دو دست خویش سجده کردند.

این حدیث امام احمدؒ و مُسلِمؒ روایت کرده‌اند.[1]

(۱) مُسْنَدُ أَحْمَدَ: (۱۸۱۱۱)، صَحِيحُ مُسْلِمٍ: (۱۱٤/٤).

حدیث هجدهم

ایضاً

وَعَنْ أَبِي إِسْحَاقَ قَالَ: قُلْتُ لِلْبَرَاءِ بْنِ عَازِبٍ: أَيْنَ كَانَ النَّبِيُّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَضَعُ وَجْهَهُ إِذَا سَجَدَ؟ فَقَالَ: بَيْنَ كَفَّيْهِ.

رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ.

ترجمه: از ابواسحاقؒ روایت است که من به حضرت براء بن عازب رضی الله عنه گفتم: حضرت پیغامبر اکرم صلی الله علیه وسلم هنگامی که سجده می کردند، چهرهٔ مبارک شان را کجا می نهادند؟ حضرت براء رضی الله عنه جواب داد: در بین دو دستان مبارك خویش.

این حدیث را امام ترمذیؒ روایت کرده است.[1]

---

(۱) جَامِعُ التِّرْمِذِيِّ: (۳٦٦/۱).

امام ترمذیؒ سپس می نویسد: در این باب، از حضرت وائل بن حُجْرؓ و ابی حُمَیدؓ نیز روایت شده است. حدیث براءؓ، حَسَن صحیح و غریب است.

حدیث نوزدهم

بازنگهداشتن انگشتان در رکوع و جمع گرفتن آن‌ها در سجده

عَنْ وَائِلِ بْنِ حُجْرٍ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ: أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَانَ إِذَا رَكَعَ فَرَّجَ أَصَابِعَهُ، وَإِذَا سَجَدَ ضَمَّ أَصَابِعَهُ.

رَوَاهُ ابْنُ حِبَّانَ، وَالطَّبَرَانِيُّ.

ترجمه: از حضرت وائل بن حُجْر رضی‌الله‌عنه روایت است که پیغامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وسلم در حالت رکوع انگشتان مبارک شان را باز نگاه می‌داشتند و در هنگام سجده انگشتان مبارک شان را به هم می‌چسپانیدند.

این حدیث را امام ابن حَبَّانؒ و طبرانیؒ روایت کرده‌اند.[1]

---

(۱) صَحِيحُ ابْنِ حِبَّانَ: (۱۹۲۰)، مُعْجَمُ الطَّبَرَانِيِّ الْكَبِيرُ: (۲۲/۱۹).
علامه هَيْثَمِیؒ می‌گوید: اسناد آن حَسَن است. (مَجْمَعُ الزَّوَائِدِ: ۱۳۵/۲)

حدیث بیستم

حالت پاها در نشستن

عَنْ عَبْدِ اللهِ بْنِ عُمَرَ رَضِيَ اللهُ عَنْهُمَا قَالَ: مِنْ سُنَّةِ الصَّلَاةِ أَنْ تُنْصَبَ الْقَدَمُ الْيُمْنَى، وَاسْتِقْبَالُهَا بِأَصَابِعِهَا الْقِبْلَةَ، وَالْجُلُوسُ عَلَى الْيُسْرَى.

رَوَاهُ النَّسَائِيُّ.

از حضرت عبدالله بن عمر رضی‌الله‌عنهما روایت است که فرمود: از سنّت نماز این است که پای راست بر نوك انگشتان پا ایستاده شود و انگشتان آن رو به قبله باشد، و انسان بر پای چپ بنشیند.

این حدیث را امام نسائیؒ روایت کرده است.[1]

(۱) سُنَنُ النَّسَائِيِّ: (١١٤٦)

حدیث بیست و یکم

ترک تورُّك

عَنْ أَبِي حُمَيْدٍ السَّاعِدِيِّ أَنَّهُ ذَكَرَ صَلَاةَ رَسُولِ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِي جَمْعٍ مِنْ صَحَابَةِ رَسُولِ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقَالَ: ثُمَّ كَبَّرَ فَسَجَدَ، ثُمَّ كَبَّرَ فَقَامَ وَلَمْ يَتَوَرَّكْ.

رَوَاهُ أَبُو دَاوُدَ، وَابْنُ حِبَّانَ.

ترجمه: از حضرت ابوحُمَید ساعدی رضی‌الله‌عنه روایت است که ایشان طریقهٔ نماز رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وسلم را در میان گروهی از صحابهٔ رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وسلم بیان کرد و فرمود: سپس آنحضرت ﷺ تکبیر گفتند و سجده کردند؛ سپس تکبیر گفتند و برخاستند و تورُّك نکردند.

این حدیث را امام ابوداودؒ و ابن حِبَّانؒ روایت کرده‌اند.[1]

---

(۱) سُنَنُ أَبِي دَاوُدَ: (٤٨٧/١)، صَحِيحُ ابْنِ حِبَّانَ: (١٨٦٦)
علامه ابن حَجَرؒ می‌نویسد: این حدیث صحیح است. (نَتَائِجُ الْأَفْكَارِ فِي تَخْرِيجِ أَحَادِيثِ الْأَذْكَارِ: ١٣٢/٢)

حدیث بیست و دوم

برخاستن از سجده

عَنْ عَبْدِ اللهِ بْنِ عُمَرَ رَضِيَ اللهُ عَنْهُمَا قَالَ: نَهَى رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَنْ يَعْتَمِدَ الرَّجُلُ عَلَى يَدَيْهِ إِذَا نَهَضَ فِي الصَّلَاةِ.

رَوَاهُ أَبُو دَاوُدَ، وَابْنُ خُزَيْمَةَ، وَالْحَاكِمُ.

ترجمه: از حضرت عبدالله بن عمر رضی‌الله‌عنهما روایت است که فرمود: حضرت رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم نهی کردند که مرد هنگام برخاستن در نماز، بر دست‌هایش تکیه کند.

این حدیث را امام ابوداودؒ، ابن خُزَیْمَهؒ و حاکمؒ روایت کرده‌اند.[1]

---

(۱) سُنَنُ أَبِي دَاوُدَ: (٦٠/٢)، صَحِيحُ ابْنِ خُزَيْمَةَ: (٦٩٢)، الْمُسْتَدْرَكُ عَلَى الصَّحِيحَيْنِ: (٣٥٣/١).

و حاکمؒ پس از آن گفته است:

این حدیث مطابق شرط امام بخاریؒ و مُسلِمؒ صحیح است و آن دو آن را روایت نکرده‌اند. علامه ذَهَبِیؒ نیز این گفته را تأیید کرده است.

حدیث بیست وسوم

الفاظ تشهُّد

عَنْ عَبْدِ اللهِ بْنِ سَخْبَرَةَ أَبِي مَعْمَرٍ قَالَ سَمِعْتُ ابْنَ مَسْعُودٍ يَقُولُ: عَلَّمَنِي رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَكَفِّي بَيْنَ كَفَّيْهِ التَّشَهُّدَ كَمَا يُعَلِّمُنِي السُّورَةَ مِنَ الْقُرْآنِ: التَّحِيَّاتُ لِلّٰهِ وَالصَّلَوَاتُ وَالطَّيِّبَاتُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكَاتُهُ، السَّلَامُ عَلَيْنَا وَعَلَى عِبَادِ اللهِ الصَّالِحِينَ، أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ.

رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ، وَمُسْلِمٌ، وَالتِّرْمِذِيُّ.

ترجمه: از عبدالله بن سَخْبَرَهؒ روایت است که از حضرت عبد الله بن مسعود رضی‌الله‌عنه شنیدم که می‌فرمود: حضرت رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وسلم درحالی‌که دست من میان دو دست ایشان بود، تشهُّد را به من آموختند؛ همان‌گونه که سوره‌ای از قرآن را به من می‌آموختند: التَّحِيَّاتُ لِلّٰهِ وَالصَّلَوَاتُ وَالطَّيِّبَاتُ...

این حدیث را امام بخاریؒ، مُسلِمؒ و ترمذیؒ روایت کرده‌اند.[1]

---

(۱) صَحِيحُ الْبُخَارِيِّ: (۵۹/۸)، صَحِيحُ مُسْلِمٍ: (۱۱۶/٤)، جَامِعُ التِّرْمِذِيِّ: (۳۸۳/۱). و امام ترمذیؒ در ادامه می‌گوید: این صحیح‌ترین حدیثی است که از رسول خدا ﷺ دربارهٔ تشهُّد آمده است. بیشتر اهل علم از اصحاب پیغامبر ﷺ و تابعین پس از ایشان برآن عمل می‌کنند؛ و این رأی امام سفیان ثوریؒ، عبد الله بن مبارکؒ، احمدؒ و اسحاقؒ نیز هست.

حدیث بیست و چهارم

اشاره با انگشت سبّابه

عَنْ عَبْدِ اللهِ بْنِ الزُّبَيْرِ رَضِيَ اللهُ عَنْهُمَا ذَكَرَ: أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَانَ يُشِيرُ بِأُصْبُعِهِ إِذَا دَعَا وَلَا يُحَرِّكُهَا.

رَوَاهُ أَبُو دَاوُدَ، وَالنَّسَائِيُّ.

ترجمه: از حضرت عبدالله بن زبیر رضی‌الله‌عنهما روایت است که پیغامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وسلم (در نماز) هنگام دعا با انگشت مبارک شان اشاره می‌کردند و آن را حرکت نمی‌دادند.

این حدیث را امام ابوداودؒ و نسائیؒ روایت کرده‌اند.[1]

---

(۱) سُنَنُ أَبِي دَاوُدَ: (۵۹/۲)، سُنَنُ النَّسَائِيِّ: (۱۲۵۳)،
امام نَوَوِیؒ می‌نویسد: ابوداودؒ آن را با سند صحیح روایت کرده است. (الْمَجْمُوعُ شَرْحُ الْمُهَذَّبِ: ٤٣٤/٣)
علامه ابن مَلَقِّنؒ نیز می‌نویسد: این حدیث صحیح است. (الْبَدْرُ الْمُنِيرُ فِي تَخْرِيجِ أَحَادِيثِ الشَّرْحِ الْكَبِيرِ: ١١/٤)

حدیث بیست و پنجم

برخاستن برای رکعت سوم به محض ختم تشهُّد

عَنْ عَبْدِ اللهِ بْنِ مَسْعُودٍ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ قَالَ: عَلَّمَنِي رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ التَّشَهُّدَ فِي وَسَطِ الصَّلَاةِ وَفِي آخِرِهَا، وَفِيهِ: ثُمَّ إِنْ كَانَ فِي وَسَطِ الصَّلَاةِ نَهَضَ حِينَ يَفْرُغُ مِنْ تَشَهُّدِهِ.

رَوَاهُ أَحْمَدُ، وَابْنُ خُزَيْمَةَ.

ترجمه: از حضرت عبدالله بن مسعود رضی‌الله‌عنه روایت است که فرمود: حضرت رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وسلم خواندن تشهُّد در میان و پایان نماز را به من آموختند؛... و آنحضرت ﷺ اگر قعدهٔ وسطی نماز می‌بود، به محض آنکه از تشهُّد خود فارغ می شدند، فوراً برمی‌خاستند.

این حدیث را امام احمدؒ و ابن خُزَیْمَهؒ روایت کرده‌اند.[1]

---

(۱) مُسْنَدُ أَحْمَدَ: (٤٣٨٢)، صَحِيحُ ابْنِ خُزَيْمَةَ: (٧٠٨).
حافظ هَیْثَمیؒ می‌گوید: راویان آن مُوَثَّق هستند. مَجْمَعُ الزَّوَائِدِ: (١٤٢/٢)

حدیث بیست و ششم

ایضاً

وَعَنْ عَائِشَةَ رَضِيَ اللهُ عَنْهَا: أَنَّ رَسُولَ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَانَ لَا يَزِيدُ فِي الرَّكْعَتَيْنِ عَلَى التَّشَهُّدِ.

رَوَاهُ أَبُو يَعْلَى، وَصَحَّحَهُ الْهَيْثَمِيُّ.

ترجمه: از بی‌بی عایشه رضی‌الله‌عنها روایت است که حضرت رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وسلم در دو رکعت اولی، چیزی بر تشهُّد نمی‌افزودند.

این حدیث را امام ابو یَعْلیٰ ؒ روایت کرده است.[1]

---

(۱) مُسْنَدُ أَبِي يَعْلَى: (٤٣٧٣)،
و علامه هَیْثَمی ؒ آن را صحیح دانسته است. مَجْمَعُ الزَّوَائِدِ: (١٤٢/٢).

حدیث بیست و هفتم

ایضاً

وَعَنْ عَبْدِ اللهِ بْنِ مَسْعُودٍ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: كَانَ فِي الرَّكْعَتَيْنِ الْأُولَيَيْنِ كَأَنَّهُ عَلَى الرَّضْفِ. قُلْنَا: حَتَّى يَقُومَ؟ قَالَ: حَتَّى يَقُومَ.

رَوَاهُ أَبُو دَاوُدَ، وَالتِّرْمِذِيُّ.

ترجمه: حضرت عبدالله بن مسعود رضی‌الله‌عنه روایت می کند که حضرت پیغامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وسلم در (قعدهٔ پس از) دو رکعت اولی، چنان بودند که گویا بر سنگ‌های گداخته نشسته باشند. گفتیم: تا آن‌که برمی خاستند؟ فرمود: تا آن‌که برمی خاستند! این حدیث را امام ابوداودؒ و ترمذیؒ روایت کرده‌اند.[1]

---

(۱) سُنَنُ أَبِي دَاوُدَ: (٦١/٢)، جَامِعُ التِّرْمِذِيِّ: (٦٨/٢)،

امام ترمذیؒ در ادامهٔ حدیث می‌نویسد: اهل علم بر این حدیث عامل‌اند و اختیار شان این است که نمازگذار، نشستن در قعدهٔ بعدِ دو رکعت اولی را طولانی نکند و اضافه از تشهُّد چیزی نخواند؛ و گفته‌اند: اگر کسی بر تشهُّد چیزی بیفزاید، دو سجده سهو بر او لازم است. این‌گونه از امام شَعبیؒ و دیگران مروی می باشد.

تذکُّر: آنچه از امام شعبیؒ روایت شده، ابن ابی‌شَیْبَهؒ در مُصَنَّف خود آورده است. مُصَنَّفُ ابْنِ أَبِي شَيْبَةَ: (٤٧/٣).

حدیث بیست‌وهشتم

وَعَنْ تَمِيمِ بْنِ سَلَمَةَ: كَانَ أَبُو بَكْرٍ ﷺ إِذَا جَلَسَ فِي الرَّكْعَتَيْنِ كَأَنَّهُ عَلَى الرَّضْفِ. يَعْنِي: حَتَّى يَقُومَ.

رَوَاهُ ابْنُ أَبِي شَيْبَةَ.

ترجمه: تمیم بن سَلَمَهؒ روایت می‌کند که حضرت ابوبکر صدیق رضی‌الله‌عنه هرگاه در قعدهٔ بعدِ دو رکعت می‌نشستند، چنان بودند که گویا بر سنگ‌های گداخته نشسته باشند؛ یعنی تا هنگامی که برمی‌خاستند.

این حدیث را امام ابن ابی‌شَیْبَهؒ روایت کرده است.[1]

---

(۱) مُصَنَّفُ ابْنِ أَبِي شَيْبَةَ: (٤٦/٣).
علامه ابن حَجَرؒ می‌گوید: سند آن صحیح است. التَّلْخِيصُ الْحَبِيرُ: (٤٧٤/١)

حدیث بیست و نهم

قعدهٔ آخر

عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ مُخَيْمِرَةَ قَالَ: أَخَذَ عَلْقَمَةُ بِيَدِي وَحَدَّثَنِي: أَنَّ عَبْدَ اللهِ بْنَ مَسْعُودٍ أَخَذَ بِيَدِهِ، وَأَنَّ رَسُولَ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَخَذَ بِيَدِهِ فَعَلَّمَهُ التَّشَهُّدَ فِي الصَّلَاةِ ثُمَّ قَالَ بَعْدَ الشَّهَادَتَيْنِ: فَإِذَا قَضَيْتَ هَذَا أَوْ قَالَ: فَإِذَا فَعَلْتَ هَذَا فَقَدْ قَضَيْتَ صَلَاتَكَ، إِنْ شِئْتَ أَنْ تَقُومَ فَقُمْ، وَإِنْ شِئْتَ أَنْ تَقْعُدَ فَاقْعُدْ. رَوَاهُ أَحْمَدُ وَأَبُو دَاوُدَ.

ترجمه: از قاسم بن مُخیمِرَهؒ روایت است که عَلْقَمَهؒ دستم را گرفت و سپس برایم گفت که حضرت عبدالله بن مسعود رضی الله عنه دست او را گرفت و آنگاه برایش گفت که حضرت رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم نیز دست ایشان را گرفتند و تشهُّدِ نماز را به او آموختند؛ سپس آنحضرت صلی الله علیه وآله وسلم بعد از شهادتَین فرمودند: هرگاه این را به پایان رساندی ـ یا فرمودند: هرگاه این را انجام دادی ـ نمازت را به پایان رسانده‌ای. اگر خواستی برخیزی، برخیز؛ و اگر خواستی بنشینی، بنشین.

این حدیث را امام احمدؒ و ابوداودؒ روایت کرده‌اند.[1]

---

(۱) مُسْنَدُ أَحْمَدَ: (٤٠٠٦)، سُنَنُ أَبِي دَاوُدَ: (٤٩/٢).
علامه هَیْثَمیؒ می‌نویسد: راویان احمدؒ مُوَثَّق اند. مَجْمَعُ الزَّوَائِدِ: (١٤٢/٢).

حدیث سی اُم

طریقهٔ سلام

عَنْ عَبْدِ اللهِ بْنِ مَسْعُودٍ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ: أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَانَ يُسَلِّمُ عَنْ يَمِينِهِ وَعَنْ شِمَالِهِ حَتَّى يُرَى بَيَاضُ خَدِّهِ: السَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللهِ، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللهِ.

رَوَاهُ أَبُو دَاوُدَ، وَالنَّسَائِيُّ، وَالتِّرْمِذِيُّ.

ترجمه: از حضرت عبدالله بن مسعود رضی‌الله‌عنه روایت است که حضرت پیغامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وسلم به سمت راست و چپ چنان سلام می‌دادند که سفیدی رخسار مبارک شان دیده می‌شد: السلام علیکم ورحمة الله، السلام علیکم ورحمة الله.

این حدیث را امام ابوداودؒ، نسائیؒ و ترمذیؒ روایت کرده‌اند.[1]

---

(۱) سُنَنُ أَبِي دَاوُدَ: (٦٢/٢)، سُنَنُ النَّسَائِيِّ: (١٣٠٥)، جَامِعُ التِّرْمِذِيِّ: (٣٩٣/١).
و امام ترمذیؒ در ادامهٔ حدیث می‌گوید: حدیث ابن مسعودؓ، حسن صحیح است و بیشتر اهل علم از اصحاب پیغامبر ﷺ و تابعین بر آن عمل می‌کنند.

حدیث سی ویکم

ایضاً

وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ قَالَ: حَذْفُ السَّلَامِ سُنَّةٌ.

ترجمه: از حضرت ابوهریره رضی‌الله‌عنه روایت است که فرمود: کوتاه گفتن سلام، سنّت است.

این روایت را امام ترمذیؒ روایت کرده است.[1]

---

(۱) جَامِعُ التِّرْمِذِيِّ: (۳۹۷/۱).

راوی حدیث، علی بن حُجْرؒ می‌گوید که حضرت عبدالله بن مبارک رحمه‌الله فرمود: یعنی آن را مدِّ طویل نباید داد.

امام ترمذیؒ سپس می‌نویسد: این حدیث حسن صحیح است، و اهل علم اینکار را مستحب می‌دانند.

حدیث سی و دوم

تاکید بر محافظت بر سنت فجر

عَنْ عَبْدِ اللهِ بْنِ أَبِي مُوسَى قَالَ: جَاءَنَا ابْنُ مَسْعُودٍ وَالْإِمَامُ يُصَلِّي فَصَلَّى رَكْعَتَيْنِ إِلَى سَارِيَةٍ، وَلَمْ يَكُنْ صَلَّى رَكْعَتَيِ الْفَجْرِ.

رَوَاهُ الطَّبَرَانِيُّ، وَالطَّحَاوِيُّ.

ترجمه: عبدالله بن ابی‌موسیؒ روایت می‌کند که حضرت عبد الله بن مسعود رضی‌الله‌عنه نزد ما آمدند، در حالی که امام نماز (صبح) را می‌خواند. ایشان کنار ستونی دو رکعت نماز صبح را خواندند. ایشان دو رکعت سنّت فجر را نخوانده بود.

این روایت را امام طَبَرانیؒ و طحاویؒ روایت کرده‌اند.[1]

---

(۱) مُعْجَمُ الطَّبَرَانِيِّ الْكَبِيرُ: (۲۷۷/۹)، شَرْحُ مَعَانِي الآثَارِ: (۳۷٤/۱)، علامه هَيْثَمِیؒ می‌نویسد: راویان آن مُوَثَّق اند. مَجْمَعُ الزَّوَائِدِ: (۷۵/۲)، حافظ عَيْنَیؒ می‌نویسد: امام طحاویؒ آن را از سه طریق صحیح روایت کرده است. نُخَبُ الْأَفْكَارِ: (۷۸/٦).

حدیث سی و سوم

ایضاً

وَعَنْ أَبِي عُثْمَانَ الْأَنْصَارِيِّ قَالَ: جَاءَ عَبْدُ اللهِ بْنُ عَبَّاسٍ وَالْإِمَامُ فِي صَلَاةِ الْغَدَاةِ، وَلَمْ يَكُنْ صَلَّى الرَّكْعَتَيْنِ، فَصَلَّى عَبْدُ اللهِ بْنُ عَبَّاسٍ رَضِيَ اللهُ عَنْهُمَا الرَّكْعَتَيْنِ خَلْفَ الْإِمَامِ، ثُمَّ دَخَلَ مَعَهُمْ.

رَوَاهُ الطَّحَاوِيُّ.

ترجمه: از ابوعثمان انصاریؒ روایت است که امام در نماز صبح بود که حضرت عبدالله بن عباس رضی‌الله‌عنهما آمد، و هنوز دو رکعت سنّت صبح را نخوانده بود. پس حضرت عبدالله بن عباس رضی‌الله‌عنهما آن دو رکعت را (دور از) پشت سر امام به‌جا آورد، سپس به جماعت آنان داخل شد.

این روایت را امام طحاویؒ روایت کرده است.[1]

---

(۱) شَرْحُ مَعَانِي الآثَارِ: (۳۷۵/۱).

علامه عَینیؒ می‌نویسد: امام طحاویؒ آن را از دو طریق صحیح روایت کرده است. نُخَبُ الْأَفْكَارِ: (۸۰/٦).

حدیث سی و چهارم

ایضاً

وَعَنْ مَالِكِ بْنِ مِغْوَلٍ قَالَ: سَمِعْتُ نَافِعًا يَقُولُ: أَيْقَظْتُ ابْنَ عُمَرَ رَضِيَ اللهُ عَنْهُمَا لِصَلَاةِ الْفَجْرِ ـ وَقَدْ أُقِيمَتِ الصَّلَاةُ ـ فَقَامَ فَصَلَّى رَكْعَتَيْنِ.

رَوَاهُ الطَّحَاوِيُّ.

ترجمه: مالک بن مِغْوَلؒ روایت می‌کند که از حضرت نافعؒ شنیدم که می‌گفت: من حضرت عبد الله بن عمر رضی‌الله‌عنهما را برای نماز صبح بیدار کردم، در حالی که اقامهٔ نماز گفته شده بود. ایشان برخاستند و دو رکعت را خواندند.

این روایت را امام طحاویؒ روایت کرده است.[1]

---

(۱) شَرْحُ مَعَانِي الآثَارِ: (۳۷۵/۱).

علامه عَینیؒ می‌گوید: امام طحاویؒ آن را از سه طریق صحیح روایت کرده است. نُخَبُ الْأَفْكَارِ: (۸۱/٦).

حدیث سی و پنجم

ایضاً

وَعَنْ أَبِي عُبَيْدِ اللهِ عَنْ أَبِي الدَّرْدَاءِ أَنَّهُ كَانَ يَدْخُلُ الْمَسْجِدَ وَالنَّاسُ صُفُوفٌ فِي صَلَاةِ الْفَجْرِ، فَيُصَلِّي الرَّكْعَتَيْنِ فِي نَاحِيَةِ الْمَسْجِدِ، ثُمَّ يَدْخُلُ مَعَ الْقَوْمِ فِي الصَّلَاةِ.

رَوَاهُ الطَّحَاوِيُّ.

ترجمه: ابوعبیدالله ؒ روایت می کند که هرگاه حضرت ابودَرداء ؓ وارد مسجد می‌شد و مردم در حال ادای نماز صبح می‌بودند؛ پس در گوشه‌ای از مسجد دو رکعت سنت را می‌خواند، و آنگاه با مردم در نماز شریک می‌شد.

این روایت را امام طحاوی ؒ روایت کرده است.[1]

---

(۱) شَرْحُ مَعَانِي الآثَارِ: (۳۷۵/۱)،

علامه عَینی ؒ می‌نویسد: امام طحاوی ؒ آن را با سند صحیح روایت کرده است. و ابوعبیدالله، مُسلِم بن مِشْکَم خُزاعی دمشقی، کاتب حضرت ابودرداء ؓ است. نُخَبُ الْأَفْكَارِ: (٨١/٦) بِتَصَرُّفٍ.

حدیث سی وششم

دو سجدۀ سهو

عَنْ عِمْرَانَ بْنِ الْحُصَيْنِ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ: أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ صَلَّى بِهِمْ فَسَهَا، فَسَجَدَ سَجْدَتَيْنِ، ثُمَّ تَشَهَّدَ، ثُمَّ سَلَّمَ.

رَوَاهُ أَبُو دَاوُدَ، وَالتِّرْمِذِيُّ.

ترجمه: از حضرت عِمران بن حُصَین رضی‌الله‌عنه روایت است که پیغامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وسلم آنان را نماز دادند و در نماز دچار سهو شدند؛ سپس آنحضرت ﷺ دو سجده کردند، آنگاه تشهُّد خواندند و سلام دادند.

این حدیث را امام ابوداودؒ و ترمذیؒ روایت کرده‌اند.[1]

---

(۱) سُنَنُ أَبِي دَاوُدَ: (۷۹/۲)، جَامِعُ التِّرْمِذِيِّ: (۱۰۷/۲)،
امام ترمذیؒ می‌گوید: این حدیث، حدیثِ حَسَن غریب صحیح است.
حاکمؒ نیز آن را روایت کرده و می‌گوید: این حدیث بر شرط امام بخاری و مُسلم صحیح است و آنان آن را روایت نکرده‌اند. علامه ذَهَبِیؒ نیز این گفته را تأیید کرده است.
الْمُسْتَدْرَكُ عَلَى الصَّحِيحَيْنِ: (٤٦٩/١).

حدیث سی و هفتم

در صورت شک در عدد رکعات نماز، بر گمان غالب باید عمل کرد

عَنْ عَبْدِ اللهِ بْنِ مَسْعُودٍ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ عَنْ رَسُولِ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: إِذَا كُنْتَ فِي صَلَاةٍ فَشَكَكْتَ فِي ثَلَاثٍ وَأَرْبَعٍ، وَأَكْبَرُ ظَنِّكَ عَلَى أَرْبَعٍ: تَشَهَّدْتَ، ثُمَّ سَجَدْتَ سَجْدَتَيْنِ وَأَنْتَ جَالِسٌ قَبْلَ أَنْ تُسَلِّمَ، ثُمَّ تَشَهَّدْتَ أَيْضًا، ثُمَّ تُسَلِّمُ.

رَوَاهُ أَحْمَدُ، وَأَبُو دَاوُدَ.

ترجمه: حضرت عبدالله بن مسعود رضی‌الله‌عنه روایت می‌کند که حضرت رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم فرمودند: هرگاه در نماز بودی و به شک افتادی که سه رکعت شده یا چهار، و گمانِ غالبت چهار رکعت بود؛ پس تشهُّد بخوان، سپس در همان حالت نشسته پیش از سلام، دو سجده کن؛ آنگاه دوباره تشهُّد بخوان و پس از آن سلام بده.

این حدیث را امام احمدؒ و ابوداودؒ روایت کرده‌اند.[1]

---

(۱) سُنَنُ أَبِي دَاوُدَ: (۷۵/۲)، مُسْنَدُ أَحْمَدَ: (٤٠٧٥).
مُحدِّثین دربارهٔ مرفوع بودن این روایت اختلاف دارند.

حدیث سی و هشتم

طریقهٔ نماز وتر

عَنْ أُبَيِّ بْنِ كَعْبٍ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ: أَنَّ رَسُولَ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَانَ يُوتِرُ بِثَلَاثٍ، وَيَقْنُتُ قَبْلَ الرُّكُوعِ.

رَوَاهُ النَّسَائِيُّ، وَابْنُ مَاجَهْ.

ترجمه: حضرت اُبیّ بن کعب رضی‌الله‌عنه روایت می کند که حضرت رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وسلم نماز وتر را سه رکعت می خواندند و قنوت را قبل از رکوع می‌خواندند.

این حدیث را امام نسائیؒ و ابن ماجهؒ روایت کرده‌اند.[1]

(۱) سُنَنُ النَّسَائِيِّ: (١٦٨١)، سُنَنُ ابْنِ مَاجَهْ: (١١٨٢).

حدیث سی و نهم

ایضاً

وَعَنْ عَلْقَمَةَ: أَنَّ ابْنَ مَسْعُودٍ وَأَصْحَابَ النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَانُوا يَقْنُتُونَ فِي الْوِتْرِ قَبْلَ الرُّكُوعِ.

رَوَاهُ ابْنُ أَبِي شَيْبَةَ.

ترجمه: حضرت عَلْقَمَهؒ روایت می کند که حضرت عبدالله بن مسعود رضی‌الله‌عنه و اصحاب پیغامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وسلم در نماز وتر، قنوت را پیش از رکوع می‌خواندند.

این حدیث را امام ابن ابی‌شَیْبَهؒ روایت کرده است.[1]

---

(۱) مُصَنَّفُ ابْنِ أَبِي شَيْبَةَ» (٥٢١/٤)،

علامه ابن حَجَرؒ سند آن را حَسَن دانسته است. الدِّرَايَةُ فِي تَخْرِيجِ أَحَادِيثِ الْهِدَايَةِ: (١٩٤/١).

امام طَبَرانیؒ نیز آن را از عمل ابن مسعودؓ روایت کرده است؛ و علامه ابن حَجَرؒ آن را صحیح دانسته است. مُعْجَمُ الطَّبَرَانِيِّ الْكَبِيرُ: (٢٨٤/٩)، الدِّرَايَةُ فِي تَخْرِيجِ أَحَادِيثِ الْهِدَايَةِ: (١٩٣/١).

حدیث چهلم

شتاب در ادای سنت پس از فریضه

عَنْ عَائِشَةَ رَضِيَ اللهُ عَنْهَا قَالَتْ: كَانَ النَّبِيُّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِذَا سَلَّمَ لَمْ يَقْعُدْ إِلَّا مِقْدَارَ مَا يَقُولُ: اللّٰهُمَّ أَنْتَ السَّلَامُ، وَمِنْكَ السَّلَامُ، تَبَارَكْتَ ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ.

رَوَاهُ مُسْلِمٌ.

ترجمه: از حضرت عایشه رضی‌الله‌عنها روایت است که فرمود: حضرت پیغامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وسلم هرگاه سلامِ نماز را می دادند، بیش از اندازه‌ای که این دعا را بگویند، نمی‌نشستند: اللّٰهُمَّ أَنْتَ السَّلَامُ، وَمِنْكَ السَّلَامُ، تَبَارَكْتَ ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ.

این حدیث را امام مُسلِمؒ روایت کرده است.[1]

تَمَّتْ، وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ وَحْدَهُ.

---

(۱) صَحِيحُ مُسْلِمٍ: (۹۰/۵).
و در روایت ابن نُمَیر آمده است: يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ.

دربارهٔ مترجم کتاب

اسم:	محمد ابراهیم ولد محمد اعظم ولد محمد شفیع تیموری
تاریخ ولادت:	۱۴ سنبلۂ ۱۳۴۸ شمسی مطابق ۱۳۸۹ هـ.
محل ولادت:	جوی شیر، کابل، افغانستان
تحصیلات ابتدائی:	مکتب قاری عبد الله، کابل، افغانستان
ادامۂ تحصیلات:	کالج دولتی کَرْنال، کرنال، هَرْیانا، هند (حیات شناسی) دانشگاه جامعۂ ملیۂ اسلامیه، دهلی نو، هند (زبان عربی)
علوم دینی:	دار العلوم دیوبند، هند مدرسۂ رحیمیه، دهلی، (تادورۂ مشکاة) مدرسۂ امینیه، دهلی، (دورۂ حدیث) مدرسۂ امینیه، دهلی، (دورۂ افتاء)

- عقائد ما
- مختصر عقائد
- عقائد اسلام
- عقائد اهل سنت و جماعت
- الفقهُ الأكبرُ للإمام الأعظم أَبي حنيفة رضي الله عنه (متن)
- الفقهُ الأكبرُ (متن ـ ترجمه ـ شرح)
- شرح فقه اكبر (از مولانا بحر العلوم لكهنوى)
- الوَصِيَّةُ في التَّوْحِيْدِ للإمام الأعظم أَبي حنيفة رضي الله عنه (متن)
- الوَصِيَّةُ في التَّوْحِيْدِ (متن ـ ترجمه ـ شرح)
- (متن كامل) العقيدة الطحاوية (أى عقيدة الإمام الأعظم أَبي حنيفة رضي الله عنه) تهيه شده از روى تقريباً ۳۵ نسخهٔ قلمى و ۱۵ نسخهٔ چاپى
- عقيدهٔ طحاوى (ترجمه و شرح مختصر ـ فارسى)
- ترجمهٔ عقيدهٔ طحاوى به انگليسى The Creed of Imam

Tahawi

- عقیدهٔ طحاوی (به سه زبان: عربی ـ فارسی ـ انگلیسی)
- ثمرة العقائد
- اعتقاد نامهٔ جامی
- ایمان کامل (از علامه فرهاری صاحب نبراس)
- المعتمد مِن المعتقد (از امام کاسانی صاحب بدائع و صنائع)
- اسلام چیست
- چگونه حج کنید
- زیورهای بهشتی (حصهٔ اول، دوم، سوم، چهارم و پنجم)
- گوهرهای بهشتی
- زیورهای بهشتی (کامل در دو جلد)
- زیورهای بهشتی (دورهٔ کامل یك جلدی)
- نماز اهل السنت و الجماعت
- ترجمهٔ نماز اهل السنت و الجماعت به انگلیسی

Salah of Ahlu-Sunnah wal-Jama'ah

- بیائید نماز بخوانیم چنانکه رسول الله ﷺ نماز می خواندند
- اصول التجوید
- خیر الأُصول فی حدیث الرسول
- رسالهٔ اصول حدیث (منظوم)

❁ قوائدی در علوم حدیث

❁ بنیادهای دین و ضرورت تقلید

❁ دعوت دین و حفاظت مسلک

❁ فرق بین حدیث و سنت

❁ سَلَفی اصلی و سَلَفی امروزی

❁ مثنوی تحفۀ روشنفکر (سیکولر)

❁ **چهل حدیث:** چرا در داخل نماز رفع یَدَیْن نمی‌کنیم

❁ **چهل حدیث:** رفع یَدَیْن در داخل نماز منسوخ است

❁ رفعُ الیَدَیْن جز در آغاز نماز در هیچ جای دیگر نمازهای پنجگانه مسنون نه بلکه متروک است

❁ چرا در داخل نماز رفع یَدَیْن نمی‌کنیم (مجموعۀ ۳۴۰ حدیث)

❁ پیامبر اعظم ﷺ، صدیق اعظم رضی الله عنه و فاروق اعظم رضی الله عنه رفع یَدَیْن نمی‌کردند

❁ **چهل حدیث:** امیرالمؤمنین حضرت عمر بن الخطاب رضی الله عنه رفع یَدَیْن نمی‌کرد

❁ **چهل حدیث:** امیرالمؤمنین حضرت علی مرتضیٰ رضی الله عنه رفع یَدَیْن نمی‌کرد

❁ **چهل حدیث:** حضرت عبد الله بن عمر رضی الله عنه و مسئلۀ رفع یَدَیْن

❁ صحبتی با یک برادر سَلَفی بر مسئلۀ رفع یَدَین

❁ صحبت یک شیخ سَلَفی با یک عالم حنفی دربارۀ رفع یَدَین

❁ **مسئلۀ رفع یَدَیْن:** و یاران امیر المؤمنین حضرت علی مرتضی ﷺ و یاران حضرت عبد الله بن مسعود ﷺ

❁ **چهل حدیث:** دربارۀ ایمان و اخلاق و اعمال ...

❁ **چهل حدیث:** اربعین جامی ﷺ (ترجمه و تخریج احادیث)

❁ **چهل حدیث:** اربعین احناف (چهل حدیث در زمینۀ برخی افعال نماز)

❁ **چهل حدیث:** شهروندی

❁ مذهب حنفی مبتنی بر احتیاط است

❁ **چهل حدیث:** دلائل نُه مسائل نماز

نماز تراویح: بین اهل سنت و جماعت و اهل بدعت

❁ اجماع صحابه و تابعین و مجتهدین اسلام برآنکه حد اقل نماز تروایح بیست رکعت است

❁ چرا بیست رکعت تراویح؟

❁ ۴۴ دلائل ۲۰ رکعت تراویح

❁ برادران سَلَفی! بیائید تراویح خود را ثابت کنید

❁ **تراویح:** استدلال‌های غلط برادران فرقۀ سَلَفی

❁ **تراویح:** ده چیلنج خدمت برادران فرقۀ سَلَفی

❁ تصانیف و تألیفات امام اعظم ابوحنیفه ﷺ

❁ تألیفات الإمام الأعظم أبي حنيفة ﷺ (عربی، ناچاپ)

- فضائل و مسائل ماه مُحَرَّم
- اثبات دعای قنوت احناف
- امام اعظم ابوحنیفه ﷺ و فقه شریف حنفی
- شیخ آلبانی و علم حدیث
- فتوای دار العلوم دیوبند در مورد داکتر ذاکر نایک
- لمس قرآن بدون وضو جایز نیست
- دست‌ها در آغاز نماز تا کجا بلند شود؟
- محل بستن دست‌ها در نماز
- در نماز بستن دست‌ها در زیر ناف سنت است
- دست‌ها در نماز کجا بسته شود؟
- عدم جواز قرائت قرآن در پشت امام ولو سورۀ فاتحه
- قرائت مقتدی در پشت سر امام ممنوع است
- گفتن آمین با صدای آهسته و خُفیه در نماز سنت است
- آمین در نماز با صدای آهسته گفته می‌شود
- روش مسنون نشستن در وقت تشهُّد
- نماز وتر واجب و سه رکعت با یک سلام است
- نماز وتر سه رکعت با یك سلام است
- جمع دو نماز در یک وقت جایز نیست
- خواندن سورۀ فاتحه در نماز جنازه

❁ زنان به اجماع اُمت در بسیاری از مسائل نماز با مردان تفاوت دارند

❁ نماز زنان با نماز مردان تفاوت دارد

❁ مسح بر جوراب‌های نازک امروزی جایز نیست

❁ هنگام خطبهٔ امام، خواندن نماز یا سخن‌گفتن با کسی مکروه تحریمی و ممنوع است

❁ د اهل سنت والجماعت لمانځه

❁ د اهل سنت والجماعت عقائد

❁ راځي چې لمونځ وکړو څه رنګه چې رسول الله ﷺ ادا کولو

❁ څلویښت احادیث د نه مسائلو دلایل

❁ ولې شل رکعته تراویح

❁ پیامبر اعظم ﷺ، صدیق اعظم رضی الله عنه او فاروق اعظم رضی الله عنه رفع یَدَیْن نکول

❁ څلویښت احادیث چې حضرت عمر رضی الله عنه رفع یدین نکول

❁ د عبد الله بن عمر رضی الله عنه څلویښت احادیث او د رفع یدینو مسئله

نشانی مترجم کتاب

شمارهٔ تلفون/تلگرام/واتس‌اپ:

۰۰۴۴۷۷۷۶۰۰۳۱۳۷

Email:

miteymori@gmail.com